

کوچندگی در چند نگاه

آنها کوچ گرانند. کوچ گران آبا و اجدادی. آنها دامدار و متحرکند. چادرهایشان را بارها در طول سال برپا می کنند، روش زندگی آنها این است: زیر آسمان، زیر آفتاب، زیر باران، زیر ابرها. با هم، روی زمین. مردمانشان در ساختاری از طوایف، قبایل و تیره ها با نام های مجزا تقسیم شده اند. هر یک از ایشان جای خود را در سلسله مراتب قبیله ای می دانند. و بدین ترتیب توسط هم قبیله ایها شناخته می شود. می توانید آنها را آزاد بنامید چراکه بدون پایبندی در حرکت اند، اما امروزه وضعیتشان تغییر کرده: شیوه زندگی شان که روزی با ضرباهنگ طبیعت هماهنگ بود در معرض فرسایش قرار گرفته است. معیشتشان، که با وجود تمام سختی ها، زمانی بالاترین سهم تولید را در این سرزمین داشت، دیگر نمی تواند با تقاضاهای اقتصاد بازار رقابت کند. امروز آنان برای بقا در تلاشند.

او یک کوچنده است. کوچنده ای شهری. شهر یا توسعه بی رویه. سکونت گاهی خارج از کنترل. او مانند میلیون ها نفر دیگر در اینجا جدید است. خویشاوندانش، دوستانش و کسانی که با آنها بزرگ شده "قبیله" اش را تشکیل می دهند و بیش از شهرش به آنهاست که احساس وابستگی می کند. این حلقه ها خیلی در هم تنیده نیستند، اما با این حال گرایش به تحرک گروهی دارند. بدون توجه به جغرافیا، قلمرو، یا دولت های محصور به مرزها، این "قبیله" اوست که هویتش را تشکیل می دهد. این کوچندگی اوست. خانه او در اینجا موقتی است. دلالت زمین و مسکن تعداد زیادی از آپارتمان های شهر را به انتظار بالا رفتن قیمتشان خریده اند، بطوری که بیشتر ساختمان های جدیدی که مثل قارچ ظاهر می شوند به نظر خالی می رسند. تصویری که این وضع بدست می دهد انسان هایی در حال گذار است، بشریت در حال عبور.

او کوچنده است. کوچنده ای جهانی. او نه گردشگر است، نه مهاجر و نه آواره. او نمی تواند بگوید خانه کجاست؛ شاید چند جا بطور همزمان برایش در نقش خانه است. شاید خانه اش جایی است که دوستان، خویشان و همکارانش قرار دارند. بدلیل محدودیت های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نمی تواند خود را به یک مکان محدود کند. با فرصت طلبی، سرزمین مادری اش را رها کرد. مانند اجدادش، آنچه برای بقای او حیاتی است در مکان های مختلفی پراکنده شده است، به همین دلیل باید متناوباً کوچ کند. او مدتی کوتاه در یک مکان چرا می کند، قبل از آنکه دوباره حرکت کند، چه به اجبار، چه به امید موقعیتی بهتر. او همچنین نمی تواند کلاً قید زادگاهش را بزند. او به آن فضا نیاز دارد، به آن هوا نیاز دارد. او چادرش را در کشورهای مختلفی برپا می کند. او کوچنده قرن بیست و یکم است، کوچنده عصر پسا صنعتی. او از یک جا به جای دیگر می جهد، اما در تماس باقی می ماند، با ایمیل، شبکه های الکترونیک و تلفن. محیط های زیستگاه های او مخلوط ناهمگنی از آدم ها و فرهنگ های نامتجانس است. او التقاطی است و خودش تکه ای از یک چهل تکه رنگارنگ است.